

درآمدی بر بررسی فقهی - حقوقی

# بیع اعضای بدن انسان

مصطفی کاف قمشه‌ای

انتشارات جنگل

سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور : درآمدي بر بررسي فقهي - حقوقي بيع اعضاي بدن انسان /  
مصطفى كافي قمشه‌اي.  
مشخصات نشر : تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۱.  
مشخصات ظاهري : ۲۰۰ ص.  
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۹۳۱-۰۰  
وضعيت فهرست‌نويسي : فيبا  
يادداشت : كتابنامه.  
موضوع : فروش اندام‌هاي بدن (فقه)  
رده‌بندي شكري : BP۱۹۸/۶/ف۴ك۲ ۱۳۹۱  
رده‌بندي ديويي : ۲۹۷/۳۷۹  
شماره كتابشناسي ملي : ۲۸۰۸۵۸۵

جنگل

عنوان كتاب: درآمدي بر بررسي فقهي - حقوقي بيع اعضاي بدن انسان  
مؤلف: مصطفى كافي قمشه‌اي  
ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه  
ناظر فني: امين لشكري  
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱  
قطع و تيراژ: وزيري، ۱۰۰۰ نسخه  
قيمت: ۵۰۰۰۰ ريال  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۹۳۱-۰۰

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰  
[http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)  
email:// [Info@junglepub.org](mailto:Info@junglepub.org) ۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ براي ناشر محفوظ است»

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه

### فصل اول: کلیات و مروری بر تحقیقات انجام شده

۱	بخش اول: بیان مسئله
۳	بخش دوم: تعریف برخی از اصطلاحات
۳	- مال
۴	- مالک
۴	- مالکیت
۴	- بیع
۵	- مبیع
۵	- تشریح
۶	بخش سوم: مروری بر تحقیقات انجام شده
۷	- کتابها و مقاله‌های ایرانی
۹	- کتابها و مقاله‌های عربی

### فصل دوم: بررسی مالیت و مالکیت اعضای بدن انسان

۱۱	بخش اول: معنای مالیت و مالکیت و عناصر آن
۱۲	مبحث اول: مالیت

- بند اول: تعریف مال در لغت و اصطلاح..... ۱۲
- بند دوم: عناصر مال..... ۱۲
- عنصر اول: امکان اختصاص به شخص (حقیقی یا حقوقی) را داشته باشد..... ۱۲
- عنصر دوم: قابل نقل و انتقال باشد..... ۱۲
- عنصر سوم: نفع داشته باشد..... ۱۳
- عنصر چهارم: عقلایی بودن منفعت..... ۱۳
- بند سوم: ملائمت نفع عقلایی..... ۱۳
- بند چهارم: تفاوت ملک با مال..... ۱۴
- مبحث دوم: مالکیت و اقسام آن..... ۱۴
- بند اول: تعریف مالکیت در لغت و اصطلاح..... ۱۴
- بند دوم: اوصاف مالکیت..... ۱۵
- بند سوم: اقسام مالکیت بر شیء واحد..... ۱۵
- بند چهارم: انواع حق مالکیت (ملکیت)..... ۱۶
- ملکیت اشراقی - قیومی..... ۱۶
- ملکیت ذاتی - تکوینی..... ۱۶
- ملکیت عرضی - مقولی..... ۱۷
- ملکیت اعتباری..... ۱۷
- طرح یک سؤال؟ تفاوت ملکیت ذاتی و اعتباری..... ۱۷
- بند پنجم: تفاوت مالکیت انسان بر پیکر خود با مالکیت خداوند بر هستی..... ۱۸
- بخش دوم: مالیت و مالکیت اعضای بدن..... ۱۹
- مبحث اول: دلایل مخالفان مال بودن و مالکیت داشتن اعضای بدن..... ۱۹
- دلیل اول: قیاس عدم مالیت انسان حر بر اعضایش..... ۱۹
- دلیل دوم: مال بودن اعضای بدن پس از قطع و عدم مالیت اعضای بدن قبل از قطع..... ۲۰
- دلیل سوم: نفس، علت موجد و سبب فاعلی برای بدن نمی‌باشد..... ۲۰
- دلیل چهارم: انسان در مالکیت خداوند است..... ۲۰
- مبحث دوم: دلایل موافقان مال بودن و مالکیت داشتن اعضای بدن..... ۲۲
- دلیل اول: وجود مالیت و مالکیت ذاتی اعضای بدن..... ۲۲

- دلیل دوم: وجود مالیت اعتباری بر اعضای بدن ..... ۲۲
- دلیل سوم: مالیت یک مفهوم نسبی است ..... ۲۲
- دلیل چهارم: انسان علت قریب برای زنده ماندن اعضای بدن است ..... ۲۳
- دلیل پنجم: مالکیت انسان بر بدن خود مالکیت شرعی است و انسان بر خود ولایت دارد ..... ۲۳
- شرح قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم و أنفسهم» ..... ۲۴
- الف- مستندات قاعده ..... ۲۴
- ب- موارد کاربرد قاعده ..... ۲۵
- دلیل ششم: وجود مالیت اعضای بدن نزد عقلا ..... ۲۶
- دلیل هفتم: قاعده «کل شیء فیہ حلال و حرام فهو لک حلال أبداً حتی تعرف الحرام».  
(قاعده اصالة الحل) ..... ۲۷
- شرح قاعده: «کل شیء لک حلال حتی تعرف انه حرام» ..... ۲۷
- ایرادات صورت گرفته در رد استناد به قاعده ..... ۲۸
- دلیل هشتم: اختیار قصاص و یا دریافت شیء در قبال جنایت بر عضو ..... ۲۸
- مبحث سوم: مالکیت اعضای بدن در فتاوی فقهای معاصر ..... ۲۹

### فصل سوم: عقد بیع و معامله اعضای بدن انسان

- بخش اول: شرایط مبیع در بیع ..... ۳۵
- مبحث اول: تعریف عقد بیع ..... ۳۶
- مبحث دوم: شرایط مبیع ..... ۳۶
- شرط اول: هنگام عقد موجود باشد ..... ۳۷
- شرط دوم: مالیت و منفعت عقلایی داشته باشد ..... ۳۷
- تفاوت مالیت و قابل تقویم بودن ..... ۳۹
- شرط سوم: قابل خرید و فروش باشد ..... ۴۰
- شرط چهارم: معلوم و معین باشد ..... ۴۱
- شرط پنجم: ملک بایع باشد ..... ۴۱
- شرح حدیث نبوی «لا بیع إلا فی ملک» ..... ۴۲
- شرط ششم: بایع قدرت بر تسلیم آن را داشته باشد ..... ۴۳

- بخش دوم: بررسی بیع اعضای بدن انسان ..... ۴۳
- مبحث اول: دلایل مخالفان بیع اعضای بدن (اعضای انسان زنده و مرده)..... ۴۴
- دلیل اول: بیع میتة جایز نیست ..... ۴۴
- نقد و بررسی ..... ۴۴
- دلیل دوم: خرید و فروش خون (که یکی از اجزای بدن انسان است) حرام است..... ۴۶
- دلیل سوم: اعضای بدن بی‌فایده است و گرفتن مال در قبال آن اکل مال به باطل است..... ۴۸
- دلیل چهارم: اعضای بدن جزء نجاسات است و بیع نجاسات حرام است..... ۵۰
- دلیل پنجم: تغییر در خلقت خداوند حرام است (آیه تبتیک)..... ۵۲
- دلیل ششم: دفر عضو میان از حی لازم است..... ۵۴
- دلیل هفتم: جدا کردن اعضای بدن انسان مثله کردن بدن و حرام است..... ۵۶
- دلیل هشتم: انسان کرامت دارد و قطع عضو با کرامت انسان در تعارض است..... ۵۸
- دلیل نهم: تقطیع جسد با حفظ احترام میت در تعارض است..... ۶۰
- دلیل دهم: اضرار به نفس حرام است..... ۶۲
- شرح قاعده «لا ضرر و لا ضرار»..... ۶۳
- معنای ضرر..... ۶۳
- دلیل یازدهم: ثمن میتة سحت است..... ۶۵
- دلیل دوازدهم: تجاوز به نفس و بدن (قطع عضو) موجب فصاص است و دیه دارد..... ۶۷
- دلیل سیزدهم: اعضای بدن انسان مال نیست و برای آن قیمتی در زمان تلف وجود ندارد..... ۶۹
- دلیل چهاردهم: اعضای بدن انسان جزء محرّمات است و مداوا با محرّمات حرام است..... ۶۹
- دلیل پانزدهم: این کار با قاعده «الضرر لا یزال بالضرر» در تعارض است..... ۷۱
- مبحث دوم: دلایل موافقین بیع اعضای بدن (اعضای انسان زنده و مرده)..... ۷۱
- دلیل اول: سلطنت انسان بر خود..... ۷۲
- دیدگاه امام خمینی (ره) در این زمینه..... ۷۲
- دلیل دوم: اراده خداوند مبنی بر رفع سختی و حرج از زندگی انسان‌ها..... ۷۳
- دلیل سوم: لزوم انجام کارهای خیر (آیه کریمه فاستبقوا الخیرات)..... ۷۴
- بررسی آیات..... ۷۴

- ۷۵ ..... دلیل چهارم: اصل برائت.....
- ۷۶ ..... دلیل پنجم: ضرورت احیای نفوس.....
- ۸۰ ..... دلیل ششم: پیوندهای انجام شده در عصر معصومین (ع).....
- ۸۲ ..... دلیل هفتم: قاعده ایثار.....
- ۸۳ ..... دلیل هشتم: قاعده اهم و مهم.....
- ۸۴ ..... دلیل نهم: جسم انسان مال بوده و قابلیت انتقال به صورت تبرعی را دارد.....
- ۸۵ ..... دلیل دهم: کمک به رفع ضرر از مسلمان وظیفه شرعی است.....
- ۸۵ ..... دلیل یازدهم: انسان دارای حق تصرف در اعضای بدن خود می‌باشد.....
- ۸۶ ..... مبحث سوم: معامله اعضای بدن میت.....
- ۸۶ ..... - بیع بدن انسان برای تشییع.....
- ۸۷ ..... مبحث چهارم: بررسی بیع اعضای بدن انسان در فتاوی فقهای معاصر.....
- ۹۵ ..... مبحث پنجم: نتیجه.....
- ۹۵ ..... - شروط عمومی در جواز قطع، انتقال و معامله اعضا.....

### فصل چهارم: تقسیم‌بندی اعضای بدن و مالکین آن

- ۹۷ ..... بخش اول: دسته‌بندی اعضای بدن و امکان‌سنجی معامله آن‌ها.....
- ۹۸ ..... مبحث اول: بیع اعضایی که قطع آن‌ها مستلزم فوت فرد نمی‌باشد.....
- ۱۰۰ ..... بند اول: بیان ادله موافقین.....
- ۱۰۰ ..... دلیل اول: عدم ردع شارع.....
- ۱۰۰ ..... دلیل دوم: مقبولیت معامله اعضای بدن نزد عقلا.....
- ۱۰۱ ..... دلیل سوم: قاعده نفی ضرر.....
- ۱۰۲ ..... دلیل چهارم: اطلاق آیه شریفه (...أوفوا بالعقود...) و (...أحلّ الله البيع...).....
- ۱۰۲ ..... دلیل پنجم: انسان حق عفو جانی خود را دارد پس حق قطع اعضایش را نیز دارا می‌باشد.....
- دلیل ششم: اخذ دیه در جنایات دلالت بر وجود مال بودن اعضاء و حق انسان در قطع آن خواهد بود.....
- ۱۰۲ ..... بند دوم: بیان ادله مخالفین.....
- ۱۰۳ ..... دلیل اول: قطع اعضا باعث تغییر در خلقت الهی است.....

- دلیل دوم: حرمت اضرار به نفس ..... ۱۰۳
- دلیل سوم: عدم مالکیت انسان بر اعضایش ..... ۱۰۴
- بند سوم: بیع اعضایی که قطع آن‌ها مستلزم فوت فرد نمی‌باشد، در فتاوی فقهای معاصر ..... ۱۰۴
- بند چهارم: چند نکته در بیع اعضایی که قطع آن‌ها مستلزم فوت فرد نمی‌باشد ..... ۱۰۶
- فرق بین وجوب حفظ نفس از تلف در حال و آینده ..... ۱۰۶
- قطع اعضایی که مستلزم مذلت و اهانت به فرد می‌باشد ..... ۱۰۷
- قطع اعضایی که ناقل صفات ارثیه می‌باشند ..... ۱۰۸
- بررسی قطع اعضایی که ناقل صفات ارثیه می‌باشند، در فتاوی فقهای معاصر ..... ۱۰۸
- تفاوت اعضای رئیسه و غیره رئیسه ..... ۱۱۳
- قطع اعضایی که در آن برای دیگری حقی وجود دارد ..... ۱۱۴
- قطع اعضایی که زوال آن‌ها باعث تعطیلی وظیفه اساسی آن‌ها در حیات انسان می‌شود ..... ۱۱۴
- قطع اعضایی که فرد بوده و همانندی در بدن ندارند ..... ۱۱۵
- مبحث دوم: بیع اعضایی که قطع آن‌ها مستلزم فوت فرد می‌باشد ..... ۱۱۵
- بخش دوم: مالکین اعضای بدن انسان ..... ۱۱۶
- مبحث اول: اقسام حقوق متعلق به بدن انسان ..... ۱۱۶
- حق خداوند در بدن انسان ..... ۱۱۶
- حق انسان بر بدن خودش ..... ۱۱۷
- حق اولیاء میت در بدن میت ..... ۱۱۹
- حق انسان در بدن انسان دیگر ..... ۱۱۹
- مبحث دوم: مالکین اعضای بدن (جسد میت) ..... ۱۲۰
- بند اول: متوفی در صورت وصیت به انتقال عضو بعد از فوت در قبال دریافت یا عدم دریافت ثمن ..... ۱۲۰
- دلایل موافقین ..... ۱۲۱
- دلیل اول: ادامه اختیارات انسان بعد از مرگ ..... ۱۲۱
- دلیل دوم: حرمت جان و مال مسلمان با رضایت او ..... ۱۲۱
- دلایل مخالفین ..... ۱۲۲
- دلیل اول: عمل به وصیت باعث هتک حرمت میت می‌گردد ..... ۱۲۲

- دلیل دوم: عمل به وصیت با وجوب تعجیل در دفن میت در تعارض است ..... ۱۲۳
- دلیل سوم: عمل به وصیت باعث اضرار به نفس و حرام است ..... ۱۲۳
- دلیل چهارم: نفس عقد وصیت ..... ۱۲۴
- دلیل پنجم: ملک نبودن اعضای بدن ..... ۱۲۵
- دلیل ششم: داشتن عواقب منفی اجتماعی ..... ۱۲۵
- بررسی فتاوی فقهای معاصر ..... ۱۲۶
- اقسام وصیت ..... ۱۲۹
- الف- وصیت عهدی ..... ۱۲۹
- ب- وصیت تملیکی ..... ۱۳۰
- بیع جسد با وصیت ..... ۱۳۱
- موارد مصرف وجوه دریافتی در خیال اعطای اعضای بدن، در فتاوی فقهای معاصر ..... ۱۳۲
- نتیجه سخن ..... ۱۳۲
- بند دوم: اولیاء و ورثه متوفی ..... ۱۳۳
- اولیاء و ورثه میت چه کسانی هستند؟ ..... ۱۳۴
- مالکیت وراثت بر جسد متوفی ..... ۱۳۵
- طرح یک سؤال ..... ۱۳۶
- بررسی اذن اولیاء بر اساس فتاوی فقهای معاصر ..... ۱۳۸
- بند سوم: ولی فقیه ..... ۱۴۲
- بررسی تأثیر نظر ولی فقیه بر اساس فتاوی فقهای معاصر ..... ۱۴۵
- دیدگاه فقهای اهل سنت ..... ۱۴۶
- دیدگاه مجامع فقهی ..... ۱۴۷

### فصل پنجم: آثار کیفری معامله اعضای بدن انسان

- بخش اول: مسئولیت مباشرین قطع اعضای بدن ..... ۱۴۹
- مبحث اول: مسئولیت کیفری دهنده عضو ..... ۱۵۰
- مبحث دوم: مسئولیت کیفری گیرنده عضو ..... ۱۵۰
- مبحث سوم: مسئولیت کیفری قطع کننده عضو (ضمان طیب) ..... ۱۵۰

- بند اول: مسئولیت پزشک در زمان قطع اعضای بدن انسان زنده ..... ۱۵۱
- تعریف چند واژه ..... ۱۵۱
- مسئولیت پزشکی ..... ۱۵۱
- اذن ..... ۱۵۲
- برائت ..... ۱۵۲
- ضمان پزشک در قانون مجازات اسلامی ..... ۱۵۳
- ضمان پزشک در فقه ..... ۱۵۵
- نتیجه بحث ..... ۱۵۶
- اجازه قانونگذار ..... ۱۵۶
- مشروعیت اعمال پزشکی ..... ۱۵۷
- رعایت موازین پزشکی و داشتن مهارت ..... ۱۵۷
- رضایت فرد ..... ۱۵۸
- اخذ برائت ..... ۱۵۸
- بند دوم: مسئولیت پزشک در زمان قطع اعضای جسد میت ..... ۱۵۸
- مسئولیت پزشک بر اساس قوانین جاری ..... ۱۵۹
- مسئولیت پزشک بر اساس آراء و اقوال فقها ..... ۱۶۰
- مسئولیت پزشک بر اساس فتاوی فقهای معاصر ..... ۱۶۱
- بند سوم: مسئولیت پزشک در زمان قطع اعضای جسد میت به منظور تشریح ..... ۱۶۴
- بررسی آراء و اقوال فقها ..... ۱۶۴
- بررسی حکم تشریح در فتاوی فقهای معاصر ..... ۱۶۸
- بخش دوم: سرقت اعضای بدن ..... ۱۷۰
- مبحث اول: بررسی موضوع سرقت اعضای بدن در قانون مجازات اسلامی ..... ۱۷۰
- مبحث دوم: بررسی موضوع سرقت اعضای بدن در فتاوی فقهای معاصر ..... ۱۷۳

### فصل ششم: نتیجه گیری

- نتیجه گیری ..... ۱۷۵
- منابع و مأخذ ..... ۱۷۸

معامله اعضای بدن انسان از موضوعات نوظهوری است که در دهه اخیر، از جمله مباحث فقهی- حقوقی روز جامعه گردیده و فقها و حقوقدانان را به بررسی ماهیت و آثار فقهی- حقوقی آن وا داشته است. نقطه آغاز این حرکت، از زمانی شروع گردید که با پیشرفت دانش پزشکی امکان پیوند اعضای بدن انسان زنده یا مرده به افراد نیازمند، و در نتیجه نجات جان آن‌ها از مرگ و نیستی، و یا بار کردن آن‌ها به جامعه برای ادامه فعالیت‌های روزمره و گذران زندگی خود و خانواده، محقق گردید.

از این‌رو، اعضای بدن انسان که تا مدتی قبل بر اساس نظرات فقها جزء نجاسات و غیر قابل منفعت عقلایی تصور می‌گردید و اولین و آخرین حکم پس از قطع آن‌ها از بدن، دفن آن‌ها به نظر می‌رسید؛ به یکباره تغییر نموده و از چنان ارزش و اعتبار عقلایی‌ای برخوردار گردیدند که مانند دیگر اموال قیمتی، با مبالغ بالایی مورد خرید و فروش قرار می‌گیرند. آمار منتشره از مراکز پزشکی پیوند اعضا در کشور مبنی بر تعداد پیوندهای صورت گرفته و نجات یافتن جان انسان‌ها، تأیید کننده این مدعا می‌باشد.

با تصویب ماده واحده قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است؛ در تاریخ ۷۹/۱/۱۷، و صدور مجوز قانونی پیوند اعضا توسط قانونگذار، جریان آرام معامله اعضای بدن شتاب بیشتری یافت؛ تا بدان‌جا که برخی حتی با نیت غیر خیرخواهانه و صرفاً به خاطر دریافت منفعت مالی، برخی از اعضای بدن خود را فروخته و یا در مواقعی که قطع آن عضو باعث مرگ آن‌ها می‌گردد عضو مذکور را پیش‌فروش می‌نمایند. از این‌رو اخیراً به دنبال این جریان شتابنده پزشکی، مسائلی در محافل فقهی- حقوقی

مطرح گردیده است، به عنوان نمونه: آیا امکان معامله اعضای بدن انسان وجود دارد؟ آیا امکان تصور مالیت و مالکیت برای اعضای بدن انسان وجود دارد؟ مالک یا مالکین احتمالی اعضای بدن انسان چه کسانی خواهند بود؟ بدیهی است در صورت ارائه پاسخ صحیح و منطقی برای سؤالات مطرح شده، عمل خرید و فروش اعضای بدن، قالبی حقوقی یافته و در بستر شرایط و قواعد یکی از عقود شرعی، مورد حمایت قانونگذار قرار خواهد گرفت و در غیر اینصورت همان گونه که در حال حاضر شاهد آن هستیم؛ به لحاظ اختلاف در آراء فقها و صاحب نظران دینی، واقعیت غیر قابل انکار معامله اعضای بدن، در هاله‌ای از ابهام، بین صحت و جواز عمل، و بطلان و عدم جواز، و بین عملی مستحبیه و ممدوح، و کاری مذموم و زشت باقی خواهد ماند.

آنچه مسلم است مال در اصطلاح فقهی و حقوقی بر اشیاء خاصی اطلاق می‌گردد و تنها چیزی را می‌توان مال نامید که عناصر ضروری تشکیل دهنده مال در آن جمع باشد؛ و از طرفی مالکیت حقیقی است که شارع مقدس و مفسن برای فرد یا افرادی در صورت حصول شرایطی در نظر گرفته‌اند. در مسئله خرید و فروش در قالب عقد بیع، رعایت و حصول شرایطی در طرفین عقد و عوضین ضروری خواهد بود که از همه مهم‌تر آن است که باید عین مورد معامله قابل تملک برای طرف دیگر معامله باشد و از اثر و در تعریف عقد بیع گفته‌اند: عقد بیع، تملیک عین به عوض معلوم است و آثار صحت عقد بیع آن است که طرفین را ملزم به انجام تعهدات صورت گرفته در زمان عقد می‌نماید؛ به نحوی که در صورت عدم اجرای تعهد از سوی یک طرف، طرف دیگر می‌تواند الزام او به انجام تعهد انجام شده را درخواست نماید.

به همین خاطر با توجه به معانی فقهی - حقوقی مال، مالکیت و بیع در شرع و قانون تاکنون در مسئله خرید و فروش اعضای بدن، پاسخ روشنی به سؤالات پیرامون آن داده نشده است. در بین فقهای معاصر نیز چند نظر کلی وجود دارد. برخی به‌طور مطلق هرگونه قطع اعضای بدن انسان را جایز نمی‌دانند. دسته‌ای دیگر بین اعضای بدن انسان قابل به تمایز بوده و برخی را قابل جداکردن و برخی را قابل انتقال نمی‌دانند. گروهی در صورتی عملیات قطع اعضا را جایز می‌دانند که این انتقال به صورت تبرعی بوده و در مقابل آن عوضی دریافت نگردد. و عده‌ای نیز بیع اعضای بدن انسان را به‌طور مطلق جایز می‌دانند. در مورد فروش اجساد نیز نظرات متفاوتی بیان گردیده است برخی فروش جسد برای تشریح را جایز ندانسته، و برخی قائل به اهداء جسد به صورت رایگان، و در نهایت گروهی نیز این کار را جایز می‌دانند. در هر حال در این پژوهش به بررسی دلایل و مستندات هر گروه پرداخته و بر آنیم که

در یک قضاوت منصفانه بین ادله هر گروه، به بررسی فقهی - حقوقی بیع اعضای بدن انسان پردازیم، به همین منظور کتاب را به شش فصل تقسیم نموده‌ایم. در فصل اول به ارائه کلیات و مروری بر تحقیقات انجام شده و در فصل دوم به بررسی مالیت و مالکیت اعضای بدن انسان می‌پردازیم. در فصل سوم عقد بیع و معامله اعضای بدن انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد. و سپس در فصل چهارم به تقسیم‌بندی اعضای بدن انسان و مالکین آن، پرداخته، و در فصل پنجم اشاره‌ای به آثار کیفری معامله اعضای بدن خواهیم داشت، در نهایت فصل ششم را در نتیجه‌گیری از مباحث ارائه شده، قرار داده‌ایم.

بدیهی است در کتاب حاضر به‌طور کلی و اجمالی به ارائه مطالبی در موضوع مورد پژوهش پرداخته‌ایم؛ از این‌رو عنوان آن را «درآمدی بر بررسی فقهی - حقوقی بیع اعضای بدن انسان» نام نهادیم. اما بررسی جامع و مفصل و بیان ابعاد حقوقی و کیفری مسئله، با در نظر گرفتن منابع فقهی و روایی و مطالعه تطبیقی در سایر نظام‌های حقوقی را، در کتاب بعدی که در دست تهیه بوده و در آینده منتشر خواهد شد بیان خواهیم نمود.

لازم به ذکر است؛ در مباحث مطرح شده در کتاب پس از بیان و بررسی نظرات هر دسته از فقها، نظرات مراجع عظام تقلید نیز بیان می‌گردد؛ که برخی از این فتاوی در پاسخ به استفتائات شخصی نگارنده و مابقی از رساله‌های عملیه و دیگر منابعی که نظرات آن‌ها را جمع‌آوری نموده‌اند، تهیه گردیده است. نکته دیگر اینکه چون موضوع مورد پژوهش از جمله مباحث جدید و تخصصی، فقهی - حقوقی محسوب می‌گردد؛ لذا نگارنده در رد یا تأیید نظر و یا استدلال هر گروه از علما از نظرات فقهای دیگر استفاده نموده، و به عبارتی پاسخ سؤال هر گروه را از زبان گروه مقابل بیان می‌نماید و کمتر به بیان نظرات شخصی خود می‌پردازد. از این‌رو در اکثر مباحث، شاهد نقل‌قول‌های مکرر از فقها در رد یا تأیید نظر گروه دیگر خواهید بود.

امید آنکه امعان نظر شما خواننده گرامی و ارائه انتقادات و پیشنهادات سازنده، نقطه عطف و زمینه‌ای مساعد، برای آغاز مباحث فقهی - حقوقی پیرامون موضوع معامله اعضای بدن انسان در ایران و دیگر ممالک اسلامی گردد و سایر محققان نیز آثار و نکات بدیع و ارزشمند خود را جهت حل این مسئله ارائه نمایند.

مصطفی کافی قمشه‌ای

Mostafa.Kafi@Yahoo.Com